

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۷، شماره ۲

پاییز و زمستان ۱۳۹۵

صفحات ۸۰۵ تا ۸۲۱

بررسی تطبیقی قلمرو کیفری در تخلفات رانندگی در نظام

حقوقی ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

محمد رضا یوسفی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(شماره فکس: ۰۳۴۴۱۵۲۳۱۱۰، Email: Mryosefi2013@gmail.com)

محمد علی مهدوی ثابت*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۶)

چکیده

قلمرو کیفری به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم حقوق بشر نوین و ابتکار دیوان اروپایی حقوق بشر است و از عناصر مهم اعمال ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌شمار می‌رود. نتیجه مهم شناخت قلمرو کیفری و معیارهای شناسایی آن این است که تخلفات انضباطی و اداری الزاماً غیر کیفری و خارج از حمایت ماده ۶ کنوانسیون یادشده نیستند، بلکه برخی از این ضمانت اجراها با اینکه به‌ظاهر فاقد صبغه جزایی به‌نظر می‌رسند، از نظر دیوان دارای وصف کیفری هستند. از جمله این ضمانت اجراها که در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر به آن پرداخته شده، ضمانت اجرای ضبط و ابطال گواهینامه رانندگی است. در نظام حقوقی ایران، این ضمانت اجرا در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ش در قبال ارتکاب تخلفات رانندگی پرخطر، پس از انباشت نمرات منفی پیش‌بینی شده است. موضوع اصلی این پژوهش، مقایسه قلمرو کیفری تخلفات رانندگی در نظام حقوقی ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر می‌باشد. برای بررسی این موضوع، نخست به توصیف و تحلیل مفهوم قلمرو کیفری و معیارهای آن، سپس ضمانت اجرای این‌گونه تخلفات و در نهایت به تشریفات رسیدگی به تخلفات خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

تخلفات رانندگی، دادرسی عادلانه، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، قلمرو کیفری.

مقدمه

دادرسی عادلانه یکی از اهداف مهم حقوق بشر است. به موجب ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۱، رعایت اصول دادرسی منصفانه در محاکم قضایی ضروری است. این امر به این معناست که به ظاهر ضمانت اجرای صادره از مراجع غیرقضایی از اجرای مفاد این ماده معاف هستند. دیوان اروپایی حقوق بشر با برداشتنی مستقل و موسع از مفهوم قلمرو کیفری و با ارائه معیارهایی، محدوده اعمال ماده ۶ کنوانسیون را به برخی ضمانت اجرای صادره از سوی مراجع غیرقضایی که دارای ماهیت کیفری هستند، گسترش داده است. نمرات منفی در قبال ارتکاب تخلفات رانندگی پرخطر که به ضبط و ابطال گواهینامه رانندگی منجر می‌شود، یکی از این ضمانت اجرای صادره است که مرجع غیرقضایی آن را صادر می‌کند. در نظام حقوقی ایران این نوع ضمانت اجرا در قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات اصلی و نیز به عنوان مجازات تکمیلی پیش‌بینی شده است. از آنجا که دیوان اروپایی حقوق بشر ضمانت اجرای یادشده را برای شمول قلمرو کیفری بررسی کرده است، لذا در این پژوهش ضمن توضیح مفهوم قلمرو کیفری و معیارهای آن از دیدگاه دیوان، در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که آیا ضمانت اجرای ضبط و ابطال گواهینامه در نظام حقوقی ایران با توجه به رویه دیوان، ماهیتی کیفری دارد و مضمون ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌شود. در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا تشریفات رسیدگی در این خصوص متضمن رعایت دادرسی عادلانه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در آغاز باید قلمرو کیفری و معیارهای آن بررسی شود، سپس ضمانت اجرای تخلفات رانندگی و به دنبال آن، تشریفات رسیدگی حاکم بر تخلفات رانندگی مطالعه می‌شود.

مفهوم قلمرو کیفری و معیارهای آن

«قلمرو کیفری» آستانه‌ای است که با توجه به آن، ضمانت اجرای غیرکیفری از نظر تضمین‌های معمول برای متهم در آیین دادرسی کیفری مشابه مقوله کیفری تلقی می‌شوند (مارتی، ۱۳۸۱، ص ۵۱). نخستین بار دیوان اروپایی حقوق بشر با تفسیر موسع و مستقل از مفهوم اتهام کیفری در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، آن را به مقوله‌های غیرکیفری که دارای ضمانت اجرای سرکوبگر هستند، تسری داد. در واقع،

۱. ماده ۶-۱: «هر کس در تصمیم‌گیری راجع به حقوق و تعهدات مدنی یا هر اتهام کیفری علیه وی، حق داشتن یک جلسه استماع عادلانه... در دادگاهی مستقل و بی‌طرف، که طبق موازین قانونی ایجاد شده باشد،... دارد...».

دیوان اروپایی حقوق بشر تمایل زیادی به گسترش محدوده ماده ۶ کنوانسیون برای تقویت حمایت از حقوق بشر و تقویت کرامت انسانی دارد (ساقیان، ۱۳۸۵، ص ۸۷). ماده ۶ کنوانسیون، معرف حق برخورداری از دادرسی عادلانه و حقوق شهروندی افراد در مقابل اتهامات جزایی است (Mole & Harby, 2006, p. 5). این ماده افزون بر تضمین رعایت دادرسی عادلانه در موضوعات حقوقی و جنایی، می‌تواند منشأ قانون موضوعه غنی و منحصر به فردی باشد (Mahaney, 2004, p. 107)؛ بنابراین، رفتاری که به موجب مجموعه قوانین کیفری برای آن مجازات تعیین شده، به طور مستقیم داخل در قلمرو کیفری است. می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه رفتاری به موجب قانون جرم شناخته شده باشد، بدون نیاز به بررسی این موضوع که آیا آن قانون حق برخورداری متهم از اصول عینی حاکم بر حقوق کیفری را به او داده است یا خیر، رعایت دادرسی عادلانه در رسیدگی به آن اتهام ضروری خواهد بود (Zhang & liang, 2010, p. 3). تخلفاتی وجود دارد که خارج از مجموعه قوانین کیفری بوده و یا اساساً جرم‌انگاری نشده است و یا در راستای سیاست قضازدایی و جرم‌زدایی از قوانین کیفری خارج شده و در قوانین خاص مربوط به تخلفات اداری یا انضباطی قرار گرفته‌اند، اما ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده برای آن‌ها به ضمانت اجراهای کیفری شباهت داشته و دارای وصف کیفری و سرکوبگر است. این دسته از ضمانت اجراها به طور غیرمستقیم داخل در قلمرو کیفری بوده است و مقوله غیر کیفری با ضمانت اجراهای سرکوبگر شناخته می‌شوند.

تخلفات اداری و انضباطی به موجب قوانین خاص تعیین و مشخص شده‌اند؛ مانند تخلفات مالیاتی، نظامی، پزشکی، کارمندی و کارگری که برای آن‌ها ضمانت اجراهای متناسب در نظر گرفته شده است و برخی از آن‌ها را می‌توان وارد قلمرو کیفری کرد. در این صورت موازین حقوق بشری ایجاب می‌کند تا شخص مظنون به تخلف غیر کیفری، فقط به دلیل اینکه ضمانت اجرای آن شبیه ضمانت اجرای کیفری است، از تمامی حقوقی که یک متهم به ارتکاب جرم دارد، بهره‌مند شود و از تضمینات دادرسی عادلانه استفاده کند (بابایی و مهدوی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵).

دیوان در سه رأی صادرشده در تاریخ‌های ۸ ژوئن ۱۹۷۶، ۲۵ اوت ۱۹۷۸ و ۲۱ فوریه ۱۹۸۴، اصطلاح یا مفهوم «موضوع‌های کیفری» یا «قلمرو کیفری» را که حوزه‌ای وسیع‌تر از قلمرو حقوق کیفری دارد، به کار برده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

تشخیص اینکه کدام ضمانت اجرای اداری یا انضباطی مشمول قلمرو کیفری می‌شود، نیازمند وجود معیارهایی است. این معیارها را باید از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر با توجه به پرونده‌های ارجاعی شناسایی کرد. حقوق دانان در بررسی آرای دیوان، چهار معیار را استنباط نموده‌اند. چنانچه ضمانت اجراهای غیر کیفری منطبق با یکی از معیارهای شناسایی شده باشد و

اصول دادرسی عادلانه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون رعایت نشده باشد، رأی صادره بی اعتبار شمرده می شود.

قبل از بررسی معیارهای چهارگانه دیوان، بیان این مطلب لازم است که برای تشخیص قلمرو کیفری، انطباق هم‌زمان تمام معیارها با ضمانت اجراهای غیرکیفری ضروری نیست، بلکه انطباق یکی از معیارها موجب شمول ضمانت اجرا در قلمرو کیفری می شود (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۲۹).

۱. توصیف رفتار به عنوان جرم در قانون جزا

در پرونده‌های ارجاعی به دیوان، این معیار به عنوان اولین و ساده‌ترین معیار مورد توجه و تأکید دیوان قرار گرفته است. اگر به موجب قوانین جزایی رفتار ارتكابی عنوان مجرمانه داشته باشد، تردیدی در کیفری بودن موضوع نباید کرد و برای دولت عضو دشوار خواهد بود که استدلال کند آن رفتار ماهیت کیفری ندارد. از نظر دیوان این معیار قطعی نیست، بلکه اهمیتی نسبی دارد و به منزله نقطه آغاز کار است (ترشل، ۳۸۵، ص ۲۶۶).

۲. ماهیت رفتار ارتكابی

با توجه به آرای متعدد دیوان اروپایی حقوق بشر و تأکید آن بر مفهومی مستقل از عبارت «اتهام کیفری» یادشده در ماده ۶ کنوانسیون، این نتیجه حاصل می شود که مهم‌ترین معیار برای تعیین مفهوم قلمرو کیفری، بررسی ماهیت رفتار ارتكابی خلاف قانون است؛ زیرا در این معیار رفتار ارتكابی صرف نظر از اینکه جزء قوانین کیفری بوده است یا خیر، بررسی خواهد شد (پرادل، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶). چنانچه ماهیت آن کیفری باشد، در قلمرو کیفری قرار گرفته، تضمینات دادرسی ماده ۶ کنوانسیون قابل اعمال است. رویه قضایی دیوان تعریف روشنی ارائه نداده است، بلکه نشانه‌هایی را می توان به طور غیرمستقیم از تلاش دیوان برای تعریف قانون شکنی های انضباطی به دست آورد. می توان گفت تخلف در صورتی ماهیت کیفری دارد که نخست خطاب قانون گذار متوجه همه افراد جامعه باشد، نه گروه محدودی از اشخاص؛ دوم این که هدف ضمانت اجرای اعمال شده در وهله نخست سزادهنده باشد (ترشل، ۱۳۷۰، ص ۲۶۷). برخی از حقوق دانان، افزون بر مسائل یادشده، به مخاطب آن هنجار، اوضاع و احوال جرم (زمان و مکان ارتكاب)، شدت عمل نقض شده، تجاوز از نظر خسارت و به درجه تقبیحی که برانگیخته است نیز توجه می نمایند (دلماس مارتی، ۱۳۸۱، ص ۵۱).

در تعیین و تشخیص ماهیت جنایی رفتار، آنچه بیشتر توجه را جلب می کند، جنبه عام یا

خاص بودن هنجاری است که مورد توجه و حمایت قانون گذار قرار گرفته است. منظور از عام بودن هنجار این است که قلمرو اعمال یک مقررره یا قاعده حقوقی به نحو بالقوه، کلیه افراد را دربر بگیرد، نه فقط گروهی خاص و یا دارای موقعیت و وضعیت خاص (یاوری، ۱۳۹۴، ص ۲۳۴). اگر عمل ارتكابی متضمن نقض ارزش و هنجاری باشد که میان قشر خاصی شناسایی شده است، در این صورت تخلف یادشده انضباطی تلقی می‌شود.

این معیار در پرونده «دومی کولی»^۱ علیه دولت مالت مورد توجه دیوان اروپایی حقوق بشر قرار گرفت. در این پرونده، متقاضی به‌عنوان سردبیر نشریه طنز سیاسی مبادرت به انتشار مقاله‌ای در انتقاد از دو عضو پارلمان نموده بود که پارلمان او را محاکمه و جریمه کرد. دیوان این موضوع را خارج از صلاحیت مقررات داخلی پارلمان تشخیص داد، زیرا مقررات اعمال شده به‌صورت بالقوه نسبت به تمام افراد، اعمال شدنی است؛ اعم از اینکه شخص مظنون عضو مجلس باشد یا نباشد. در پرونده‌ای که علیه اتریش تشکیل شده بود، متقاضی به دلیل اخلال در نظم دادگاه به جزای نقدی که قابل تبدیل به حداکثر هشت روز حبس بود، محکوم شد. دیوان بر این اعتقاد بود که طرفین در جلسات دادگاه فقط به‌عنوان افرادی که مشمول صلاحیت دادگاه هستند، شرکت می‌کنند؛ لذا قواعد مربوط به اخلال در نظم دادگاه متعلق به اعضای گروه‌های خاص است و معمولاً در قلمرو انضباطی قرار می‌گیرد.

در این میان تعداد زیادی از تخلفات، هم دارای جنبه انضباطی‌اند و هم جنایی؛ به عبارت دیگر، ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده برای رفتارهای غیرقانونی، هم‌زمان هر دو جنبه را داراست. در این خصوص نظر دیوان بر کیفری دانستن ضمانت اجرا است. این نظر در پرونده «کمبل و فل»^۲ علیه دولت انگلستان مطرح شد.

۳. هدف ضمانت اجرا

این معیار، تفکیک کننده ضمانت اجرای کیفری و ضمانت اجرای اداری است. این معیار را می‌توان از پرونده «اوزترک»^۳ استنباط کرد. در این پرونده که متقاضی مرتکب بزه راهنمایی و رانندگی شده بود، به جزای نقدی که می‌توانست حبس را به‌دنبال داشته باشد، محکوم شد. دیوان اروپایی حقوق بشر افزون بر این استدلال که چنین سوءرفتارهایی در بیشتر دولت‌های عضو قسمتی از حقوق کیفری را تشکیل می‌دهد، بر این نکته تأکید داشت که مجازات اعمال شده، دارای ویژگی بازدارنده و تنبیهی است. این ویژگی خصیصه مرسوم ضمانت

1. Demicoli v. Malta, 27 August 1991.

2. Campbell and Fell v. the United Kingdom, 28 June 1984

3. Zturk v. the Federal Republic of Germany, 21 February 1984

اجرای کیفری است، لذا عرف حاکم این نوع تخلف را خطای جزایی و مشمول قلمرو کیفری می‌داند.

در پرونده‌های دیگر دیوان بر این اعتقاد بود که ماده ۶ کنوانسیون در دادرسی های اختصاصی مربوط به تخلفات انتظامی که به دلیل ضمانت اجرای حبس رنک کیفری به خود می‌گیرد، قابل اجراست. درجایی که ضمانت اجرا شامل حبس یا تهدید به حبس نباشد و فقط جریمه نقدی مطرح باشد، دیوان آنچه را بررسی می‌کند، این است که «آیا ضمانت اجرای مالی به‌عنوان خسارت مد نظر بوده یا اساساً مجازاتی است که از ارتکاب مجدد جرم جلوگیری می‌کند؟» و این تنها در فرض اخیر به‌عنوان محدوده قلمرو کیفری شناخته خواهد شد. بنابراین در این معیار، هدف بازدارندگی و تنبیهی ضمانت اجرا مد نظر دیوان اروپایی حقوق بشر است.

۴. ماهیت و شدت ضمانت اجرا

این معیار متفاوت از معیار پیشین است. اگر امکان مشمول قلمرو کیفری در خصوص تخلف مطابق معیار هدف ضمانت اجرا وجود نداشت، دیوان ماهیت و شدت ضمانت اجرا را برای اعمال تضمینات دادرسی منصفانه ملاک عمل قرار می‌داد. ضمانت اجرای تحمیل شده اهمیت بسزایی دارد؛ به این معنا که هیچ‌گونه اتهام کیفری وجود ندارد، مگر آنکه احتمال محکومیت و مجازات وجود داشته باشد (ترشل، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲).

در این معیار، ماهیت ضمانت اجرا (سالب یا غیرسالب آزادی بودن)، میزان آن (مدت یا مبلغ)، نحوه اجرای آن (محل اجرا برای ضمانت اجراهای اصلی)، لزوم درج در سجل قضایی برای ضمانت اجراهای فرعی (تکمیلی) و یا وجود ضمانت اجراهای جایگزین و نوع آن را (برای زمانی که ضمانت اجرای اصلی اعمال نشود) می‌توان مد نظر قرار داد (دلما س مارتی، ۱۳۸۱، ص ۵۱).

بررسی ضمانت اجرای تخلفات رانندگی

قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب اسفند ۱۳۸۹، برای رانندگان متخلف جریمه نقدی با مبالغ تعیین شده برای هر نوع تخلف در نظر گرفته است. همچنین ماده ۷ این قانون بر اساس جدولی که پیش‌بینی شده، متناسب با نوع تخلف و نوع گواهینامه راننده، نمرات منفی مقرر کرده است که چنانچه جمع نمرات منفی به عدد پیش‌بینی شده در ماده یادشده برسد، به ضبط گواهینامه رانندگی می‌انجامد و در مراحل بعدی با تکرار تخلف و کسب نمرات منفی دیگر، می‌تواند به ابطال گواهینامه رانندگی منجر شود. در این مبحث با توجه به معیارهای

دیوان اروپایی حقوق بشر به این مطلب می‌پردازیم که آیا ضبط و ابطال گواهینامه داخل در قلمرو کیفری می‌شود؟ به عبارت دیگر، رعایت ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر الزامی است؟

در خصوص تخلفاتی که مستوجب پرداخت جریمه نقدی است، با توجه به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و اینکه میزان آن قابل توجه نیست که بتوان آن را ضمانت اجرایی با ماهیت شدید دانست و از طرفی قابل تبدیل شدن به حبس نمی‌باشد، لذا تردیدی در عدم شمول قلمرو کیفری نیست (Putz v. Austria, 1994, para. 35) اما ضمانت اجرای ضبط گواهینامه رانندگی که در واقع به عنوان ضمانت اجرای «بازپس گرفتن حق‌ها» (Withdrawal of rights) شناخته می‌شود، هم در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است و هم در قانون غیر کیفری. ماده ۳۳ از کتاب اول قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش در خصوص مجازات‌های تکمیلی و تبعی مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید: ...ث: منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری...». چنین اقدامی در بند ۴۳ ماده ۴۳ قانون یادشده نیز آورده شده است.^۱ در نظر اول شاید چنین به نظر برسد که ضبط گواهینامه رانندگی که از مصادیق بارز «پس گرفتن حق‌ها» می‌باشد، با وضعیت کسی که به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع شده است، متفاوت باشد؛ چراکه در حالت دوم، گواهینامه ضبط نمی‌شود. اما با توجه به ماده ۹۴۹ قانون مجازات اسلامی^۲ و با عنایت به اینکه در مدت ضبط گواهینامه، چنانچه شخص اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است بنماید، به استناد تبصره ۴ ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب اسفند ۱۳۸۹^۳، به مجازات مقرر برای رانندگی بدون

۱. ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند؛ مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق ملزم نماید...ث: خودداری از تصدی کلبه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری...».

۲. ماده ۹۴۹ اشعار می‌دارد: «هر کس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است، بنماید و همچنین هر کس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا به هر دو مجازات و در صورت ارتكاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد».

۳. تبصره ۴: «کسانی که در مدت ضبط گواهینامه مبادرت به رانندگی می‌کنند به مجازات مقرر برای رانندگی

گواهینامه محکوم می‌شود و به این ترتیب، تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد و هر دو از مصادیق «بازپس گرفتن حق‌ها» شمرده می‌شوند. چنان‌که در مبحث پیشین بیان شد، اگر ضمانت اجرایی در قوانین کیفری پیش‌بینی شده باشد، مطابق معیار اول در شمول قلمرو کیفری جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. در این صورت، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل اعمال است و رعایت نشدن آن موجب نقض حقوق بشر تلقی می‌شود.

در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در سه مورد ضبط گواهینامه رانندگی برای مدت سه ماه و شش ماه پیش‌بینی شده است. ماده ۷ این قانون مقرر می‌دارد: «مأموران مذکور در ماده (۲) این قانون در حدود وظایف و اختیارات تعیین‌شده، هم‌زمان با صدور قبض جرمه به صورت تسلیمی یا ثبت توسط دوربین گزارش تخلفات مندرج در جدول ذیل این ماده را با ذکر شماره و نوع گواهینامه راننده به اداره راهنمایی و رانندگی مربوطه ارسال می‌دارند. اداره مزبور متناسب با نمرات منفی مندرج در جدول مذکور به شرح زیر با آنان رفتار می‌نماید:

۱. چنانچه متخلف دارای (۳۰) نمره منفی باشد گواهینامه او به مدت سه ماه ضبط و در پایان مدت مزبور با پرداخت چهارصد هزار (۴۰۰۰۰۰) ریال جریمه نقدی به نفع خزانه عمومی مسترد می‌شود.

۲. پس از اعمال مقررات موضوع بند (۱) چنانچه در اثر ارتکاب تخلفات جدید (۲۵) نمره منفی به متخلف تعلق گیرد گواهینامه او به مدت شش ماه ضبط و پس از انقضاء مدت مزبور و پرداخت ششصد هزار (۶۰۰۰۰۰) ریال تعلق به نفع خزانه عمومی مسترد می‌گردد».

همچنین بند ب ماده ۱۰ این قانون می‌گوید: «در مواردی که قرائن و شواهد حاکی از حالت مستی یا استفاده راننده از مواد مخدر و روانگردان باشد، مأموران موضوع ماده (۲) این قانون با استفاده از تجهیزات لازم نسبت به تشخیص این حالت اقدام می‌نمایند و در صورت اثبات حالت مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف مسکرات و مواد مخدر و روانگردان از رانندگی فرد مورد نظر جلوگیری و ضمن صدور قبض جرمه به مبلغ دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال و ضبط گواهینامه به مدت شش ماه توسط نیروی انتظامی جهت اقدام قانونی به مرجع صالح قضایی معرفی می‌شود».

نکته‌ای که در خصوص این بند قابل توجه است این‌که صرف حالت مستی یا استفاده راننده از مواد مخدر و روان‌گردان موجب ضبط گواهینامه رانندگی نمی‌شود، بلکه چنین حالتی باید

منتهی به بی‌ارادگی شود؛ به‌گونه‌ای که قادر به هدایت وسیله نقلیه نباشد. چنان‌که بند ۳ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی و بندهای الف و ب ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در توضیح معانی اصطلاحات مقرر می‌دارد: «حالت مستی و بی‌ارادگی: عدم توانایی راننده در هدایت وسیله نقلیه به دلیل استفاده از مسکرات و مواد مخدر و روانگردان».

در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، ابطال گواهینامه هم پیش‌بینی شده است. در بند ۳ ماده ۷ این قانون آمده است: «هرگاه پس از اعمال مقررات بند (۲) در اثر ارتکاب تخلفات جدید بیست نمره منفی به متخلف تعلق گیرد، گواهینامه او ابطال می‌گردد و بعد از یکسال می‌تواند برابر مقررات و پس از طی دوره آموزشی و پرداخت یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال به نفع خزانه عمومی گواهینامه جدید اخذ نماید».

ضبط گواهینامه رانندگی (Withdrawal of driving license) با سلب صلاحیت از رانندگی (Disqualification from driving) متفاوت است. در واقع ضبط گواهینامه که می‌تواند از سوی افسر یا مأمورین راهنمایی و رانندگی و یا دادستان صورت گیرد، یک اقدام تأمینی پیش از ارسال پرونده به دادگاه تلقی می‌شود، اما سلب صلاحیت از رانندگی در صلاحیت دادگاه کیفری است. دیوان اروپایی حقوق بشر این تفاوت را در پرونده‌ای که علیه دولت بلژیک تشکیل شده بود، تأیید کرد. به نظر دیوان، سلب صلاحیت از رانندگی اقدامی است که در پایان رسیدگی در دادگاه کیفری اتخاذ می‌شود. دادگاه کیفری پس از بررسی و طبقه‌بندی وقایع، در صورتی که این وقایع را منجر به جرمی تشخیص دهد که می‌تواند به سلب صلاحیت بینجامد، در این شرایط، به‌عنوان مجازات اصلی یا تکمیلی برای مدتی که متناسب به نظر می‌رسد، از رانندگی مرتکب سلب صلاحیت می‌کند (Escoubet v. Belgium, 1999, para. 37). در این پرونده، دیوان به مدت زمانی که برابر قانون بلژیک برای ضبط گواهینامه رانندگی و سلب صلاحیت از رانندگی در نظر گرفته شده است، اشاره می‌کند که طول دوره سلب صلاحیت در اوضاع و احوال عادی پنج سال است؛ در حالی که مدت نگه‌داشتن گواهینامه پس از ضبط فوری آن، پانزده روز است که ممکن است تحت شرایط خاصی به چهل و پنج روز هم افزایش یابد (Ibid).

چنان‌که ملاحظه می‌شود اگر پس از ضبط گواهینامه، تخلف راننده از مواردی باشد که باید از وی سلب صلاحیت شود، لازم است پرونده به دادگاه کیفری ارسال گردد. اما آنچه از نظر دیوان اروپایی مهم است اینکه، پلیس یا دادستان که دستور ضبط گواهینامه را داده است تا چه مدتی حق نگهداری گواهینامه را دارد. چنانچه این مدت به‌گونه‌ای باشد که به اندازه کافی مهم ارزیابی شود، ماهیت این اقدام تأمینی وارد قلمرو کیفری می‌شود و در این صورت رعایت ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر الزامی خواهد بود.

در پرونده یادشده، دیوان اروپایی حقوق بشر به سه معیار نامبرده در مبحث پیشین متوسل

شده است. از آنجا که ضبط گواهینامه در مقررات کیفری پیش‌بینی نشده بود، معیار اول قابل اجرا شناخته نشد (Ibid, para. 35). در خصوص معیار دوم، یعنی ماهیت تخلف، دیوان بر این عقیده بود که معمولاً جرائمی که در حقوق کیفری پیش‌بینی و برای مرتکب مجازات در نظر گرفته شده، مجازات از نوع جزای نقدی و حبس است؛ به استثنای آن‌هایی که به واسطه ماهیت، مدت و نحوه اجرا به‌طور محسوس زیان‌بار نباشند (Ibid, para. 36). در خصوص معیار سوم، یعنی ماهیت و شدت ضمانت اجرا، دیوان بر این اعتقاد بود که ضبط فوری گواهینامه رانندگی یک اقدام بازدارنده و برای حفظ ایمنی جاده‌ها و جلوگیری از خطری که به‌طور بالقوه در انتظار سایر افراد استفاده‌کننده از جاده بوده، در نظر گرفته شده است.

ضبط فوری گواهینامه یک اقدام تأمینی است. در واقع یک چنین اقدام ضروری، فوری بودن اجرای آن را توجیه می‌کند و هیچ چیز از اینکه هدف از ضمانت اجرا تنبیهی باشد (که ویژگی مجازات‌ها است) حکایت ندارد. بنابراین در پرونده حاضر مدت زمان ضبط فوری گواهینامه محدود بود و پلیس یا دادستان حق نداشت بیشتر از پانزده روز آن را ضبط کند؛ مگر در شرایطی خاص که می‌توانست برای دو دوره پانزده‌روزه آن را تمدید نماید، لذا شدت چنین ضمانت اجرایی به‌گونه‌ای نبود که بتواند آن را «کیفری» قلمداد کند (Ibid, p. 37, para. 38).

مشابه همین تصمیم در قضیه «هنگل» علیه دولت اتریش اتخاذ گردید. در این پرونده، گواهینامه رانندگی دادخواه به مدت دو هفته از سوی مأمورین پلیس ضبط شده بود و دیوان چنین اقدامی را ماهیتاً بازدارنده تشخیص داد و آن را فاقد ویژگی «کیفری» شناخت (Hangl v. Austria, 2001, para. 32). در قضیه‌ای دیگر که گواهینامه رانندگی متقاضی به مدت شش ماه از جانب افسر ارشد به دلیل حفظ ایمنی جاده ضبط شده بود، دارای وصف کیفری شناخته نشد (Mulot v. France, 1999, para. 34).

اما در قضیه «نیلسون» علیه دولت سوئد که گواهینامه رانندگی متقاضی به دلیل رانندگی در حال مستی و نیز به‌همراه نداشتن گواهینامه به مدت هجده ماه ضبط شده بود، دیوان چنین اظهار نظر کرد که اگرچه به‌موجب قانون داخلی، ضبط گواهینامه به‌طور معمول یک اقدام اداری برای حفظ امنیت جاده تلقی می‌شود، اما این مدت فی‌نفسه به اندازه کافی شدید بوده است که آن را وارد قلمرو کیفری کند (Nilsson v. Sweden, 2005, para. 38).

گفتنی است در پرونده‌های یادشده، علت ضبط فوری گواهینامه رانندگی وجود حالت مستی در حین رانندگی بوده و این اقدام به لحاظ حفظ امنیت جاده‌ها اتخاذ شده است و در چنین وضعیتی دادگاه (در معنایی که مد نظر دیوان اروپایی حقوق بشر است) دخالت نداشته، بلکه پلیس یا دادستان نسبت به ضبط فوری گواهینامه اقدام کرده است.

در نظام حقوقی ایران در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ش، اگرچه در

ماده ۷ و ۱۰ آن از ضبط گواهینامه رانندگی صحبت شده و تفاوتی بین ضبط و سلب صلاحیت یا محرومیت از رانندگی قائل نشده است، اما در یک مورد ضبط فوری گواهینامه به گونه‌ای که در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر گذشت، به چشم می‌خورد. بند ب ماده ۱۰، اختیار ضبط گواهینامه راننده‌ای را که در حالت مستی یا مصرف مواد مخدر و روان‌گردان اقدام به رانندگی می‌کند به مدت شش ماه به نیروی انتظامی داده است. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، صرف مستی یا مصرف مواد مخدر و روان‌گردان ملاک نیست، بلکه این حالت می‌بایست به بی‌ارادگی منجر شود؛ به گونه‌ای که راننده قادر به هدایت وسیله نقلیه نباشد. چنین اقدامی ماهیتاً بازدارنده و برای حفظ ایمنی جاده و سایر استفاده‌کنندگان از وسایل نقلیه اتخاذ می‌شود و دارای وصف تنبیهی نیست و به این ترتیب خارج از قلمرو کیفری قرار می‌گیرد و صرفاً یک اقدام اداری شمرده می‌شود. البته در همین بند پیش‌بینی شده است که راننده باید برای اقدام قانونی به مرجع صالح قضایی معرفی شود. با چنین راننده‌ای در صورتی که موجب قتل غیرعمدی یا آسیب‌های جسمی یا دماغی یا سقط جنین شود، مطابق ماده ۹۴۴ قانون مجازات اسلامی رفتار می‌شود.^۱ بدیهی است که محرومیت از رانندگی در ماده یادشده اقدامی کیفری است که جدای از مدت شش ماه ضبط گواهینامه موضوع بند ب ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، بررسی می‌شود و تداخلی بین این مدت‌ها به وجود نمی‌آید.

موضوع دیگری که در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر به آن توجه شده، کسب امتیازات منفی یا کسر امتیازات متعلق به گواهینامه رانندگی است که پس از انباشته شدن شمار معینی از آن‌ها، به سلب صلاحیت یا محرومیت از رانندگی می‌انجامد.

سیستم امتیازاتی که به گواهینامه رانندگی تعلق می‌گیرد، این‌گونه است که هر گواهینامه رانندگی از دوازده امتیاز یا بیشتر برخوردار است که البته بسته به مقررات هر کشوری، تعداد امتیازات متفاوت خواهد بود. چنانچه دارنده گواهینامه یکی از جرائمی را که در قانون مربوط به تخلفات رانندگی درج شده است، مرتکب شود و این تخلف به موجب پرداخت جریمه تعیین شده یا به واسطه یک محکومیت قطعی ثابت شود، به‌طور خودکار یک یا چند امتیاز از گواهینامه کسر می‌شود. زمانی که مجموع امتیازات کسر شده به صفر برسد، گواهینامه رانندگی باطل می‌شود. در پرونده‌ای که علیه دولت فرانسه در سال ۱۹۹۸م در دیوان اروپایی حقوق بشر تشکیل شد و به موجب آن دادخواه با سرعت غیرمجاز (بیش از سی کیلومتر در ساعت) رانندگی می‌کرد، ضمن جریمه نقدی به موجب حکم دادگاه پلیس، وی به پانزده روز محرومیت از

۱. ماده ۹۴۴ مقرر می‌دارد: «در موارد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در هر موقع جرم مست بوده... دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید».

رانندگی (سلب صلاحیت) محکوم شد. دیوان، معیار سوم، یعنی شدت ضمانت اجرا را در این پرونده قابل اجرا دانست. از نظر دیوان، کسر امتیازات ممکن است به ابطال گواهینامه بینجامد؛ چراکه این اقدام تنبیهی می‌تواند در زندگی روزمره و شغل شخص متخلف بسیار تأثیرگذار باشد. به نظر دیوان، کسر امتیازات ضمن اینکه یک اقدام پیشگیرانه است، می‌تواند ویژگی تنبیهی و بازدارندگی هم داشته باشد و به این ترتیب، مشابه مجازات تکمیلی است. قصد قانون‌گذار مبنی بر جداکردن ضمانت اجرای کسر امتیازات از سایر مجازات‌هایی که از سوی دادگاه‌های کیفری تعیین می‌شود، نمی‌تواند ماهیت ضمانت اجرا یا اقدام را تغییر دهد؛ لذا بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل اعمال است.^۱

در ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، مشابه سیستم امتیازات متعلق به گواهینامه پیش‌بینی شده است؛ با این تفاوت که بدون اینکه به گواهینامه امتیازی داده شود، چنانچه مجموع نمرات منفی برای تخلفات رانندگی پرخطر به عدد معینی برسد، بار اول سبب ضبط گواهینامه رانندگی به مدت سه ماه و بار دوم به مدت شش ماه و در مرتبه سوم موجب ابطال گواهینامه می‌شود.

مطابق نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، موضوع قابل توجه این است که کسب نمرات منفی می‌تواند به ابطال گواهینامه رانندگی منجر شود و این ضمانت اجرا با ضبط فوری گواهینامه رانندگی که اقدامی تأمینی است، متفاوت می‌باشد. بنابراین می‌توان چنین گفت که کسب نمرات منفی موضوع ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی به‌عنوان ضمانت اجرای «کیفری» شناخته می‌شود. صرف نظر از نتیجه آن که می‌تواند به ضبط یا ابطال گواهینامه بینجامد، این ضبط با ضبط گواهینامه موضوع بند ب ماده ۱۰ این قانون که اقدامی تأمینی می‌باشد، متفاوت است؛ لذا رعایت اصول دادرسی منصفانه در خصوص هر سه بند ماده ۷ قانون پیش‌گفته الزامی به نظر می‌رسد.

تشریفات رسیدگی حاکم بر تخلفات رانندگی

ورود یک نوع ضمانت اجرا به قلمرو کیفری به معنای لزوم رعایت ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. با شمول قلمرو کیفری به ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، نوبت به بررسی تشریفات رسیدگی به تخلفات موضوع این ماده می‌رسد، اما پیش از آن لازم است رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این خصوص بررسی شود.

در پرونده‌ای که علیه دولت فرانسه تشکیل شد، متقاضی مدعی بود قانونی که یک ضمانت

1. Malige v. France, 1998, para. 39

اجرای اجباری را با ارجاع به یک معیار قطعی تعیین می‌کند و مانع هرگونه امکان تجدیدنظرخواهی به دادگاه می‌شود، نمی‌تواند الزامات بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون را برآورده سازد. حتی در قانون داخلی، هر کسی که مجازات تکمیلی علیه او وضع شده باشد، حق دارد از دادگاه‌های عادی نقض سلب صلاحیت یا محرومیت مورد حکم را تقاضا کند، اما در خصوص تخلفات رانندگی این امر مستثنا شده است. مراجعه به دادگاه‌های اداری نیز مؤثر نیست، زیرا نظارت آن‌ها صرفاً تشریفاتی و محدود است. در واقع پس از اینکه دادگاه تخلف ارتكابی را تشخیص داد، به‌طور خودکار به کسر امتیاز منجر می‌شود. (Escoubet v. France, Ibid, para. 213).

دیوان چنین نظر داد، امتیازات زمانی کسر می‌شود که ثابت شود تخلفاتی که در قانون مشخص شده، ارتکاب یافته و طریق اثبات آن، پرداخت جریمه نقدی یا محکومیت قطعی به آن تخلف است. این امر به‌طور ضمنی به معنای قبول کسر امتیازات است. زمانی که جزئیات یک تخلف ثبت می‌شود، راننده از طریق مقامات اداری مطلع می‌شود که با توجه به نوع تخلف، به‌طور خودکار در معرض از دست دادن امتیاز خواهد بود. بنابراین، فرصت مناسبی دارد تا با ارکان تشکیل‌دهنده تخلف که می‌تواند اساس کسر امتیاز باشد مخالفت کرده، از خود دفاع نماید. (Ibid, para. 46, 47) در این پرونده دادخواه جریمه نقدی را پرداخت نکرده و پس از اثبات تخلف او در دادگاه کیفری، تعدادی از امتیازات را از دست داده است. در دادگاه متقاضی می‌توانست تخلفی را که به کسر امتیازات منجر شده است، انکار کند و به هر طریقی که برای پرونده‌اش مفید باشد، دفاع نماید. بنابراین، دادگاه کیفری تضمینات بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون را برآورده کرده است. به نظر دیوان، رسیدگی دوباره دادگاه کافی است و به تجدیدنظر جداگانه از سوی دادگاهی که فقط صلاحیت مربوط به کسر امتیازات را داشته باشد، نیازی نیست (Ibid, para. 49, 50).

آنچه در رأی یادشده قابل توجه به‌نظر می‌رسد این نکات است:

- تخلف منجر به کسر امتیاز باید به اطلاع راننده متخلف برسد و در این ابلاغ باید این نکته که تخلف انجام‌شده به کسر امتیاز می‌انجامد، درج شود.
 - این تخلف باید از طریق پرداخت جریمه نقدی یا محکومیت قطعی از سوی دادگاه ثابت شود. پرداخت نقدی جریمه به‌منزله اثبات تخلف است.
 - تشکیل دادگاه ویژه برای رسیدگی به این نوع تخلفات لازم نیست.
- در ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی آمده: «متخلف موظف است ظرف مدت شصت روز از تاریخ مندرج در قبض جریمه یا تاریخ ابلاغ‌شده در قبض جریمه‌ای که به اطلاع او می‌رسد، جریمه را به حسابی که از طرف خزانه‌داری کل تعیین و اعلام می‌شود پرداخت

رسید دریافت نماید یا مراتب اعتراض خود را ظرف مدت مذکور با ذکر دلایل به اداره اجرائیات راهنمایی و رانندگی تسلیم نماید. اداره مذکور موظف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از وصول اعتراض، بررسی لازم را انجام داده و در صورت غیرموجه دانستن اعتراض مراتب را به معترض ابلاغ نماید. در صورت اصرار معترض، اداره اجرائیات موضوع را جهت رسیدگی به واحد رسیدگی به اعتراضات ناشی از تخلفات رانندگی ارسال می‌نماید.

واحد فوق‌الذکر متشکل از یک قاضی با ابلاغ رئیس قوه قضائیه و یک کارشناس راهنمایی و رانندگی با معرفی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی مربوط می‌باشد. ریاست آن واحد با قاضی خواهد بود که پس از أخذ نظر مشورتی عضو دیگر، مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی قطعی است.»

از جمله اصول حاکم بر قلمرو کیفری، رعایت اصل بی‌طرفی و استقلال مرجع رسیدگی‌کننده به تخلف است (Lawyers Committee for Human Rights, 2000, p. 35). چنین مرجعی می‌تواند آزادانه در خصوص صحت اتهام وارده تصمیم‌گیری کند. استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی‌کننده به این معناست که مرجع یادشده هم در برابر قوه مجریه و هم در برابر اصحاب دعوا مستقل باشد و بدون هیچ‌گونه دخالت و فشاری از جانب طرفین بر اساس حقایق و مطابق قانون و بدون دخالت دادن پیش‌داوری‌های خود در قضیه مطرح‌شده، به آن رسیدگی کند (پرادل و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۲۷-۵۲۶).

از سوی دیگر، از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، چنانچه امکان اعتراض و تجدیدنظر و نظارت قضایی مؤخر بر تصمیم اداری یا شبه کیفری که متضمن رعایت اصول دادرسی منصفانه است، وجود داشته باشد، دیوان عدم رعایت تضمینات یادشده در رسیدگی اولیه را به‌منزله نقض دادرسی منصفانه تلقی نمی‌نماید، زیرا کل روند رسیدگی اعم از اداری، شبه قضایی و قضایی به‌عنوان یک کل واحد، محل ارزیابی رعایت یا نقض دادرسی منصفانه قرار می‌گیرد، نه بخشی از آن (یاوری، ۱۳۹۴، ص ۲۴۲).

بر این اساس، با وجود یک مرجع قضایی برای رسیدگی به اعتراض به تصمیم اداره اجرائیات راهنمایی و رانندگی، اصل استقلال رعایت شده است. رأی دیوان در دعوی اسکوبه علیه دولت بلژیک نیز مؤید چنین استقلالی است. در خصوص اصل بی‌طرفی نیز چنان‌که دیوان یادآور شده است تا زمانی که مدرکی مبنی بر نقض بی‌طرفی ارائه نشده، این اصل همچنان مفروض است (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۳۳۴).

اصل دیگر حاکم بر قلمرو کیفری، برخورداری از الزامات فرض براءت است (Mole & Harby, 2000, p.112). به‌موجب این اصل باید زمان و امکانات مناسب برای تدارک دفاع در اختیار متخلف قرار گیرد و نامبرده بتواند از همراهی و کیل مدافع برخوردار شود. با

توجه به ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، حق اعتراض به تصمیم اداره اجرائیات راهنمایی و رانندگی پس از ابلاغ تصمیم به معترض پیش‌بینی شده و همچنین با توجه به عموماً و اینکه هیچ‌گونه منعی در این قانون برای حق برخورداری از وکیل مدافع و اطلاع از پرونده مطرح نشده است، می‌توان گفت که امکانات مناسب برای تدارک دفاع رعایت گردیده است.

تنها موضوعی که بین نظر دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده اسکوبه علیه بلژیک و قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی جلب توجه می‌کند، این است که دیوان در استدلال خود مبنی بر رعایت بند ۱ ماده ۶ به این نکته اشاره کرده که مقامات اداری باید نوع تخلفی را که راننده مرتکب شده است و می‌تواند به کسر امتیاز از گواهینامه رانندگی منجر شود، به اطلاع او برسانند و این یک تکلیف قانونی است.

اما در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی چنین تکلیفی مقرر نشده است. فقط در تبصره ۳ ماده ۷، راهنمایی و رانندگی موظف شده است در هر نوبت که نمره منفی به متخلف تعلق می‌گیرد، به نحو مقتضی او را در خصوص مطلع شدن از نمرات منفی راهنمایی کند. به این ترتیب، می‌توان گفت در نظام حقوق ایران، راننده متخلف فقط از نوع تخلفی که مرتکب شده است، آگاه می‌شود و از اینکه تخلف ارتكابی می‌تواند نمرات منفی به دنبال داشته باشد، باخبر نیست.

تأثیر این نوع اطلاع‌رسانی این است که اگر راننده از شرایط پیش‌گفته اطلاع یابد، چه‌بسا در صدد اعتراض به نوع تخلف ارتكابی برآید. همان‌طور که گذشت، اعتراض نکردن یا پرداخت جریمه نقدی به منزله پذیرش و قبول نوع تخلف است. به نظر نمی‌رسد عدم اطلاع‌رسانی در این خصوص دارای ایراد قانونی باشد، زیرا در واقع راننده متخلف از تعداد نمرات منفی که از آثار تخلف ارتكابی است (همانند عدم اطلاع از نوع و میزان مجازات در ارتكاب جرم) مطلع نمی‌شود و مطابق تبصره ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی: «جهل به نوع و میزان مجازات مانع از مجازات نیست».

نتیجه

از آنجا که رعایت دادرسی منصفانه در اتهامات کیفری از دیدگاه موازین حقوق بشر امر مهمی تلقی می‌شود، لذا تعیین مقوله‌های کیفری ضروری است. دیوان اروپایی حقوق بشر فقط متون و قوانین جزایی را مقوله‌های کیفری نمی‌داند، بلکه با تعریف موسع و مستقل از اتهام جنایی، آن را به خارج از متون جزایی گسترش داده است. حقوق دانان در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر چهار معیار را برای تعیین قلمرو کیفری شناسایی کرده‌اند که برای تعیین قلمرو کیفری

هم‌زمان نیاز به وجود هر چهار معیار نیست، بلکه وجود یکی از آن‌ها کافی است. به این ترتیب، در قلمرو کیفری با مقوله‌های کیفری و مقوله‌های غیرکیفری روبرو هستیم. مقوله‌های غیرکیفری شامل ضمانت اجراهای غیرکیفری است که درعین حال از ویژگی تنبیهی و سرکوبگر برخوردارند؛ مانند ضمانت اجراهای انضباطی و اداری که در صلاحیت مراجع اختصاصی غیرقضایی قرار می‌گیرند.

ضبط و ابطال گواهینامه رانندگی ناشی از کسب نمرات منفی از جمله این ضمانت اجراهاست. به موجب رویه دیوان، چنانچه ضبط گواهینامه در راستای اقدامات تأمینی باشد و مدت آن تأثیر قابل توجهی بر متخلف نداشته باشد، خارج از قلمرو کیفری قرار می‌گیرد. در خصوص نمرات منفی که پس از رسیدن به نصاب معینی موجب ابطال گواهینامه رانندگی می‌شود، دیوان نظر به اعمال ماده ۶ کنوانسیون داشته است.

در نظام حقوقی ایران در قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، هم ضبط گواهینامه رانندگی به‌عنوان اقدام تأمینی پیش‌بینی شده و هم ضبط و ابطال گواهینامه در اثر کسب نمرات منفی. بنابراین با توجه به رویه دیوان، ضمانت اجرای اخیر داخل در قلمرو کیفری می‌باشد و ماده ۶ کنوانسیون قابل اعمال است. از آنجا که رسیدگی به اعتراض راننده متخلف از سوی مقام قضایی مستقل و بی‌طرف انجام می‌شود و در خصوص امکانات دفاعی در قانون مورد بحث منعی وجود ندارد، لذا این قانون همسو با رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد؛ بشیریه، حسین؛ هاشمی، سید محمد؛ یزدی، عبدالمجید (۱۳۸۳)، حقوق بشر مفاهیم مساوات انصاف و عدالت، چاپ اول، تهران: گرایش.
۲. بابایی، محمدعلی؛ مهدوی، داور (۱۳۹۱)، «قلمرو کیفری و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳، ص ۱۰۱-۱۲۸.
۳. پرادل، ژان (۱۳۷۶)، «به دنبال اصول راهبردی مشترک آیین‌های دادرسی کیفری مختلف اروپایی»، منوچهر خزانی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، شماره ۲۱، ص ۷۳-۹۶.
۴. پرادل، ژان؛ کورستنز، گرت؛ فرملن، گرت (۱۳۹۳)، حقوق کیفری شورای اروپا، محمد آشوری، چاپ اول، تهران: خرسندی.

۵. ترشل، استفان (۱۳۸۵)، «دادرسی عادلانه در امور جنایی»، علی شایان، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، سال هفتادم، شماره ۵۶-۵۷، ص ۲۵۵-۳۳۲.
۶. دلماس - مارتی، می ری (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دو جلدی، چاپ اول، تهران: میزان.
۷. ساقیان، محمدمهدی (۱۳۸۵)، «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷، ص ۷۹-۱۱۰.
۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸)، از حقوق جنایی تا علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، چاپ دوم، تهران: سمت.
۹. یآوری، اسدالله (۱۳۹۴)، «از حقوق کیفری تا قلمرو کیفری-تسری تضمینات کیفری در «دادرسی منصفانه» به رسیدگی‌های شبه کیفری»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، شماره ۲، ص ۲۲۱-۲۵۸.

ب) خارجی

10. Mahoney, Paul (2004), Right to a fair trial in criminal matters under article 6 E.C.H.R., Registrar of the European Court of human rights.
11. Mole, Nuala & Catharina Harby (2006), "The right to a fair trial A guide to the implementation of the European Convention on human rights" , Human rights handbooks, No.3.2 ed., Belgium.
12. Zhang, jixi & Xiaohua Liang (2010), the scope of application of fair trail rights in criminal matters-companing I.C.C.P.R. with Chinese Law, Published online.

ج) آرا و پرونده‌ها

13. Escoubet v. Belgium, 28 October 1999
14. Hangl v. Austria, 20 March 2001
15. Malige v. France 23 September 1998
16. Mulot v. France, 14 December 1999
17. Nilsson v. Sweden, 13 December 2005
18. Putz v. Austria, 11 October 1994